

نگاهی به اهمیت سبک زندگی در آموزش مطالعات اجتماعی

زهرا اسمی جوشقانی^۱

ارسال: ۱۳۹۹/۶/۳

پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱

چکیده

با ارتقای سطح دانش و گسترش وسایل ارتباطی جدید و فناوری‌های نوین، شاهد شکل‌گیری تغییرات عینی در سبک زندگی جوان امروز هستیم که نه از آن‌گیزی است و نه می‌توان آن را به حال خود رها کرد. نهاد آموزش و پرورش با استفاده از اهرم‌های آموزشی و بازدارنده خود می‌تواند متناسب با شرایط مذهبی و سنتی و بومی جامعه، این تغییرات را هدایت کند و بر آن نظارت داشته باشد. در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و اسنادی به دنبال بررسی و تحلیل اهمیت سبک زندگی و مطالعات اجتماعی در نظریه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی هستیم. نتایج و بررسی‌های نظری در این موضوع نشان می‌دهد که دروس مطالعات اجتماعی در هر جامعه می‌تواند تأثیرات بنیادی بر سبک زندگی جوانان و هویت ملی جامعه داشته باشد. به ویژه زمانی که محتوای کتاب‌ها بر اساس فرهنگ و ارزش‌های بومی و ملی تنظیم گردد، در این صورت می‌توان سلامت شخصیت جوان و جامعه را انتظار داشت که در نهایت توسعه اجتماعی و علمی را به دنبال خواهد داشت.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، مطالعات اجتماعی، فناوری‌های نوین، هویت ملی، توسعه اجتماعی.

۱- دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه فرهنگیان کاشان z.esmi@cfu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

امروزه همراه با گسترش و پیشرفت جوامع، مفهوم سبک زندگی مورد توجه صاحبانظران زیادی در حوزه‌های مختلف قرار گرفته است. هر صاحب‌نظری بر اساس حوزه تخصصی خود تعریفی از سبک زندگی ارائه کرده است و همین امر سبب تنوع و گستردگی تعاریف از سبک زندگی در جوامع مختلف گردیده است، ولی آنچه که در همه تعاریف واضح است این است که بخش عمده سبک زندگی هر فرد توسط ارزش‌های وی تعیین می‌گردد و بالطبع رفتار فرد را شکل می‌دهد و در کل سبک زندگی به عنوان بخشی از فرهنگ عینی جامعه و منبع هویت بخشی به جوانان تلقی می‌گردد. بنابراین می‌توان به جنبه اکتسابی و قابل یادگیری بودن سبک زندگی اشاره کرد و در این میان اهمیت نهاد آموزش و پرورش و محتوای کتاب‌های درسی هر کشور نمود پیدا می‌کند.

سبک زندگی و مجموعه الگوهای رفتاری آن، اگر از تناسب فرهنگی برخوردار باشد و کارکردهای شایسته و مورد انتظار را به همراه داشته باشد، می‌تواند در پدید آمدن یک تمدن بزرگ انسانی، اثرگذار باشد. فرهنگ به عنوان مجموعه در هم تنیده و رو به تکاملی از ویژگی‌های خاص زندگی اجتماعی انسان، هم شامل ارزش‌های مورد توجه اعضای یک جامعه یا گروه معین و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، می‌باشد و هم کالاهای مادی که اعضای جامعه تولید می‌کنند و نیز چگونگی بهره‌برداری از آنها را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، علاوه بر هنر، ادبیات، موسیقی و نقاشی که فرآورده‌های متعالی ذهن به شمار می‌روند، چگونگی لباس پوشیدن اعضای جامعه، مراسم ازدواج، زندگی خانوادگی، الگوهای کار و فعالیت، مراسم مذهبی، انواع سرگرمی، شیوه گذران اوقات فراغت و مواردی از این دست را نیز می‌توان جزء فرهنگ دانست. (گیدنز، ۱۳۸۲: ۵۶).

ظهور جامعه مصرفی به واسطه فزونی کالاهای مادی از یک سو و دموکراتیزه شدن مصرف و عمومیت یافتن آن از سوی دیگر، به انتخابی شدن زندگی روزمره می‌انجامد و همین امر نشان‌دهنده اهمیت روزافزون سبک زندگی در جامعه معاصر است. سبک زندگی نتیجه همه‌گزینه‌ها، ترجیحات و رفتارهایی است که فرد در ارتباط با کالاهای مادی و فرهنگ مصرفی انجام می‌دهد. امروزه مصرف کالاها برای جوانان نه فقط از سر رفع نیاز، که حامل معنایی فرهنگی و اجتماعی است. جوانان به عنوان پیشگامان استقبال از تغییرات فرهنگی و بازتولیدکنندگان فرهنگ جامعه استعداد خاصی در زمینه گسست فرهنگی و عدم بازآفرینی شیوه‌های سنتی زندگی را دارند و راحت‌ترین ابزار برای فاصله‌گیری هر چه بیشتر از یقین‌های سنتی و هنجارهای الزام آور و نمایش استقلال شخصی سبک زندگی است (ربانی و رستگار، ۱۳۸۷).

اگر سبک زندگی را به عنوان بخشی از فرهنگ در جهت‌گیری رفتاری افراد تعیین‌کننده و مؤثر بدانیم، روشن است که این جهت‌دهی هم می‌تواند نیازهای جوانان را شناسایی، تعریف و اولویت‌بندی کند؛ و هم می‌تواند شیوه تأمین این نیازها و راه برآوردن خواسته‌های انسانی را نشان دهد؛ و همچنین تناسب ابزارها و امکانات لازم برای تأمین نیازهای آدمی را با نظام معنایی و ارزش‌های فرهنگ بومی و ملی موجود تعیین کند. در سال‌های اخیر با توجه به گسترش فناوری‌های ارتباطی نوین و افزایش میزان ارتباطات افراد با سایر جوامع شاهد تاثیرپذیری شدید جوانان و تغییرات چشمگیر در انواع سبک‌های زندگی جدید و نامتعارف با فرهنگ کشورمان هستیم.

بنابراین مقاله پیش رو، با توجه به اهمیت موضوع سبک زندگی و تأثیر آن بر سرنوشت جوانان به عنوان سازندگان آینده کشور به دنبال پاسخگویی به این سوال اصلی است که آموزش مناسب مطالعات اجتماعی چه تأثیری بر سبک زندگی جوانان دارد؟

کرشی و همکاران به دنبال بررسی نسبت تربیت با فرهنگ و توسعه سبک زندگی اسلامی - ایرانی هستند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد میان توسعه فرهنگی و سبک زندگی رابطه‌ای دوسویه وجود دارد و ایرانیان می‌توانند با تلاش برای توسعه فرهنگی به بهبود سبک زندگی خود امیدوار باشند. با ترویج فرهنگ کتابخوانی و قانون‌گرایی و کاهش فرهنگ مصرف‌گرایی می‌توان تغییر نگرش‌ها را ایجاد نمود که به دنبال آن تغییر سبک زندگی و توسعه فرهنگی محقق خواهد شد.

نیازی و همکاران در پژوه خود، رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی را با رویکردی کمی و فراتحلیلی (۲۰ پژوهش انجام شده) مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس نتایج بدست آمده رابطه دو متغیر از منظر ویژگی‌ها و مختصات مطالعات متفاوت بوده و این امر لزوم توجه به متغیر تعدیل‌گر را پر رنگ‌تر جلوه می‌دهد. میانگین تاثیرگذاری سبک زندگی بر هویت اجتماعی معادل ۰/۴۲۰ یعنی در حد متوسط است. با گسترش تاثیر فرهنگ غربی و رسانه‌های نوین سبک‌های زندگی جدیدی در حال شکل‌گیری است که هویت اجتماعی را تضعیف می‌کند و لازم است که در جهت احیا و بازسازی هویت اجتماعی اقداماتی صورت گیرد.

معزی و زارعی پژوهشی با هدف تحلیل محتوای کتب درسی تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول درمورد ترویج و تعمیق فرهنگ حجاب بر اساس اهداف سند تحول بنیادین انجام داده‌اند. روش پژوهش توصیفی و از نوع تحلیل محتوا کتاب درسی تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول است. نتایج پژوهش نشان داد که در کتاب درسی تفکر و سبک زندگی پایه هفتم به مقدار ۱/۲۵٪ به اقتناع فکری برای پذیرش قلبی و درونی حجاب، ۴۹٪ به ارایه الگوی لباس و پوشش مناسب در راستای تقویت مراتب اسلامی، ۲۱٪ به ارایه خدمات جسمی و روحی توجه شده است و جلب مشارکت سازنده خانواده در اشاعه حیا و عفاف مورد غفلت قرار گرفته است. هم‌چنین در کتاب درسی تفکر و سبک زندگی پایه هشتم به هیچ کدام از این ابعاد توجه نشده است.

مبانی نظری

سبک زندگی

امروزه این اصطلاح، کاربرد عامیانه فراوان و گسترده‌ای یافته است و اغلب برای توصیف نوع خانه و اسباب و اثاثیه به کار می‌رود. اما مفهوم سبک زندگی کلیت بیشتری دارد و دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را شامل می‌شود. در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم‌سازی وجود دارد: یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰ که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (به نقل از چاپین^۱ ۱۹۹۵؛ چاپمن^۲ ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (به نقل از گیدنز^۳ ۱۹۹۱؛ بوردیو^۴ ۱۹۸۴؛ فدرستون^۵ ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱). در این معنا

1-Chapin
2- Chapman
3-Giddens
4-Bourdieu
5-Federstone

سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به روز افزایش می‌یابد (خواجه سروی و طباحی ممقانی، ۱۳۹۲: ۱۳۳).

سبک زندگی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها است و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱). سوبل^۱ نیز سبک زندگی را مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و معنی‌دار می‌داند که از سوی افراد تعریف می‌شود. تأکید سوبل بر معنی‌دار بودن رفتارها، این نکته را بیان می‌دارد که سبک زندگی در چارچوب تعامل بین افراد و معنایی که در این تعامل رد و بدل می‌شود، ظهور می‌یابد. در واقع؛ افراد با دنبال کردن مجموعه‌ای از رفتارهای معنی‌دار در جریان کنش متقابل اجتماعی، سبک زندگی‌ای را دنبال می‌کنند که بر تمایزات و تفاوت‌های آنان از دیگران صحنه می‌گذار (Sobel, 1981:31).

از نظر بورديو سبک زندگی فعالیت‌های نظامندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقدار گوناگون اجتماع تمایز ایجاد می‌کنند. معنا یا ارزش‌های این فعالیت‌ها، از موقعیت‌های آن در نظام تضادها و ارتباطها اخذ می‌شود. سبک زندگی دارایی‌هایی است که به وسیله آن، اشغال‌کنندگان موقعیت‌های متفاوت خودشان را با قصد تمایز یا بدون قصد آن از دیگران تمایز می‌بخشند (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۲۰).

در تعریفی دیگر از سبک زندگی، آن را الگوی ثابتی از رفتارها، عادات، نگرش‌ها و ارزش‌ها می‌دانند که ویژگی و خصوصیت گروه‌ها قلمداد می‌شود (به نقل از آرو و ونزل^۲). برخی نیز آن را کلیت رویکردهای هنجاری و الگوهای رفتاری می‌دانند که فرایند اجتماعی شدن را در فرد به وجود آورده است. بر این اساس، سبک زندگی شامل رفتارها، ارزش‌ها و نگرش‌های فرد است و این ویژگی‌ها با منابع فرهنگی، محیط اجتماعی و اقتصادی در ارتباطاند. به طور کلی، شناخت سبک زندگی؛ یعنی تلاش برای درک تعاملات بین محیط، نظام‌ها و فرد که بر رشد و تکامل فرد تأثیر می‌گذارد (Leo et al 1998). سبک زندگی همچنین به مدت زمانی که یک فرد برای انجام فعالیت‌های روزمره خود صرف می‌کند اشاره دارد. در این تعریف فعالیت‌های روزانه، مولفه‌های سبک زندگی محسوب می‌شوند که از جهت‌گیری ارزشی افراد سرچشمه می‌گیرند. به عنوان مثال افرادی که تمایلات مادی‌گرایانه دارند بیشتر وقت خود را در مراکز خرید و مغازه‌ها می‌گذرانند (Gatersleben et al, 2009:53).

با توجه به تعاریف فوق، سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از کلیه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل دارایی‌ها، الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن و دکوراسیون منزل و ... باشد که امور و رفتارهایی بیرونی و قابل مشاهده‌اند. همچنین می‌تواند در بر گیرنده بینش‌ها (ادراکات، اعتقادات و جهان‌بینی) گرایش‌ها (ارزش‌ها و ترجیحات) و ... باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی‌اند. سبک زندگی، گستره‌های رفتاری را در بر می‌گیرد که اصلی انسجام بخش و هماهنگ‌کننده بر آن حاکم است و بخش اعظم زندگی فرد را تحت سیطره دارد. سبک زندگی فعالیت‌های انتخابی و روزمره است؛ یعنی فرد در انتخاب آن از اختیار و کنشگری برخوردار بوده و آن را در جریان زندگی خویش عملی می‌سازد. در واقع سبک زندگی می‌تواند هم فردی باشد و هم جمعی؛ بدین معنی که هم می‌توان آن را در سطح فردی ملاحظه کرد و هم در سطوح

1- Sobel

2- Arrow and Wenzel

اجتماعی و فرد می‌تواند سبکی متفاوت از جمع داشته باشد. در شکل‌گیری سبک زندگی، ذائقه، مفهومی محوری است. به عبارتی دیگر؛ سبک زندگی را مبنای یک تمایل و ترجیح یا مجموعه‌ای همگرا از ترجیحات و تمایلات شکل می‌دهد. سبک زندگی در چارچوب تعامل بین افراد و معنایی که در این تعامل رد و بدل می‌شود، ظهور می‌یابد (باینگانی، ایراندوست و احمدی، ۱۳۹۲: ۶۴-۶۳).

نظریه‌ها

الف) نظریه‌های روانشناسی

در حوزه روانشناسی و روانشناسی اجتماعی سبک زندگی با مطالعه الگوهای رفتاری و نحوه عمل آدمی مبتنی بر هویت شخصی، کنش‌ها و میان کنش‌ها و پیگیری و اصرار بر شیوه‌ای معین از رفتار و عادات رفتاری در زندگی شخصی و در موقعیت‌ها، شرایط و صحنه‌های اجتماعی استوار است. با این رویکرد سبک زندگی از یک سو، ریشه در ذهن و نگرش فرد دارد و از دیگر سو تابع موقعیت است. اینکه ما چرا و چگونه عمل می‌کنیم و چگونه به موقعیت‌ها و الگوهای رفتاری دیگران عکس‌العمل نشان می‌دهیم و درک و تفسیر ذهنی و عینی ما از رفتارهای خود و دیگران چیست؟ الگوها و عادت‌های رفتاری به چه نحو شکل می‌گیرند و از هم می‌پاشند؟ در نهایت اینکه، سبک، قالب و شیوه رفتار انسان به چه میزان تحت تأثیر هویت‌های شخصی (تعارض‌های هویتی، تیپ‌های شخصیتی، الگوهای ذهنی و قالب‌های رفتاری) قرار دارد و به چه میزان تحت تأثیر جامعه موقعیت‌های اجتماعی، شرایط و فضای اجتماعی و گروه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد؟ (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۳۴)

آدلر^۱ سبک زندگی را کلیت بی‌همتای فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی (ویژگی‌ها، رفتارها و عادت‌ها) ذیل آن قرار دارند تعریف کرده است. به باور او، سبک زندگی طرح و دریافتی اجمالی از جهان است. فرایند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف است؛ خلاقیتی است حاصل کنار آمدن با محیط و محدودیت‌های آن، رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را هدایت می‌کند و خود به واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد. سبک زندگی تعیین می‌کند که افراد به کدام جنبه‌های محیط‌شان توجه نموده یا آن را نادیده بگیرند (ایمان و مرحمتی، ۱۳۹۳: ۶-۵). تعریف آدلر مبتنی بر فرد به عنوان پدیده‌ای واحد و کامل است از این منظر ارزش‌های فرد، نقش تعیین‌کننده‌ای در سبک زندگی او دارند و به تعداد افراد انسانی می‌توان سبک زندگی متصور بود. دیدگاه وی بیشتر از سوی روانشناسان مورد استقبال قرار گرفت و در فرایندهای روان درمانی نیز به کار گرفته می‌شود (الفت و سالمی، ۱۳۹۱: ۱۳)

شولتز^۲ از جمله دیگر روانشناسانی است که به سبک زندگی توجه کرده است. به نظر وی هر آنچه ما انجام می‌دهیم در اثر سبک زندگی منحصر به فرد ما شکل می‌گیرد. اینکه ما چه جنبه‌هایی از کل محیط خود را مورد توجه قرار می‌دهیم یا بی‌توجه از کنار آن عبور می‌کنیم و یا اینکه چه نگرش‌هایی را داشته باشیم، به وسیله سبک زندگی تعیین می‌شود. شولتز در تبیین دیدگاه آدلر می‌گوید، او مشکلات فردی و اجتماعی انسان‌ها را در سه مقوله، مشکلات مربوط به روابط با دیگران، مشکلات اشتغال و مشکلات مربوط به عشق قرار می‌دهد و در این ارتباط چهار سبک زندگی را هم به عنوان مبنایی برای طبقه‌بندی رفتار اجتماعی انسان‌ها و هم به منظور تعیین مسیر و نمایی برای رویارویی با مشکلات طرف

1-Adler
2-Schultz

توجه قرار می‌دهد. شولتز سبک‌های چهارگانه مورد نظر آدلر را اینگونه توضیح می‌دهد؛ طبقه اول، انسان‌هایی از نوع سلطه‌گر هستند که آگاهی یا علاقه اجتماعی ناچیزی دارد یا اصلاً ندارد. رفتارهای این نوع افراد در قالب دو الگوی متفاوت شکل می‌گیرد. یا انسان‌هایی آزاردهنده، بزهکار و مستبد هستند، یا افرادی که درگیر مواردی مانند اعتیاد به الکل و موادمخدر و خودکشی هستند. طبقه دوم، از انسان‌ها از سنخ گیرنده هستند. خصیصه‌ای که رایج‌ترین رفتار آدمی در آن به چشم می‌خورد. یعنی وابستگی و در انتظار کمک و حمایت از سوی دیگران بودن. طبقه سوم، سنخ اجتنابی است که از مشکلات دوری می‌جویند تا احتمال شکست را از خود دور سازند. سنخ چهارم، سنخ سودمند اجتماعی به شمار می‌آید. افراد این طبقه توانایی همکاری با دیگران را دارند و قادرند در چارچوب ساختار و مناسبات اجتماعی با مشکلات زندگی کنار بیایند و یا بر آن غلبه کنند.

از نظر روانشناسان ابعاد دیگری نیز در تعیین سبک زندگی و شیوه‌های انتخاب زندگی افراد مؤثرند که می‌توان به مواردی مانند، جنسیت و تجربه‌ای جنسیتی، خانواده، همسالان و گروه دوستان، مدرسه و دانشگاه اشاره کرد که بر شیوه نگرش و رفتار انتخابی نوجوانان و جوانان و نهایتاً سبک زندگی آنها اثرگذار هستند. در روانشناسی رشد آمده است: تجربیات جنسیتی در بین نوجوانان پسر و دختر در دنیا کاملاً با هم متفاوت است و آنچنان‌که یونیسف گزارش کرده است در تعدادی از کشورها مردان نسبت به زنان دارای فرصت‌های آموزشی بیشتری بوده‌اند. همچنین در جوامع مختلف از جمله ایران نوجوانان دختر، آزادی و قدرت انتخاب کمتری نسبت به نوجوانان پسر در دستیابی به اوقات فراغت و فرصت‌های شغلی دارند. خانواده از دیگر مؤلفه‌های مهم در شکل‌گیری سبک زندگی است. سبک مدیریت خانواده در سهل‌گیری و سخت‌گیری زندگی از مواردی است که بر شیوه زندگی و رجحان‌های افراد تأثیر مهمی دارد. الگوی خانواده از نظر اشتغال پدر و مادر و پیوستگی و گسترده‌گی خانوادگی نیز در شکل و سبک زندگی حائز اهمیت هستند. مدرسه و دانشگاه نیز نقش برجسته‌ایی در زندگی و سبک زندگی نوجوان و جوان ایفا می‌کنند (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۳-۴۲).

ب) نظریه‌های جامعه‌شناسی

در حوزه جامعه‌شناسی تورشتاین وبلن^۱، اولین نظریه‌پرداز است که به مفهوم سبک زندگی پرداخته است. وی سبک زندگی را پدیده‌ای گروهی که محصول تعلق طبقاتی است، می‌داند و طبقه را نیز زنجیره‌ای به هم پیوسته از سلسله مراتب منزلت در نظر می‌گیرد (ایمان و مرحمتی، ۱۳۹۳: ۶).

وبلن در بحث از مصرف، متوجه طبقه تن‌آساست و معتقد است اعضای این طبقه برای کسب تمایز و منزلت اجتماعی، با یکدیگر و با سایر افراد جامعه کشمکش و رقابت دارند. وی ثروت این طبقه را مبنای اصلی تمایز و جایگاه والای اجتماعی آنان می‌داند. ثروت و جایگاه اجتماعی طبقه تن‌آسا، مصرف متظاهرانه را در پی دارد که بر مبنای آن، اعضای این طبقه از موقعیت خود استفاده کرده، با مصرف چشمگیر که صرفاً جنبه نمایشی دارد، هم خود و طبقه‌شان را از سایرین متمایز می‌کنند و هم برای خود ارزش والاتری قائل می‌شوند و شیوه رفتاری و مصرفی خود را به مثابه مد به دیگران تحمیل می‌کنند (باینگانی، ایراندوست، احمدی، ۱۳۹۲: ۶۸).

زیمل^۱ از طریق تبیین مفهوم مصرف سعی کرد به بیان جلوه‌های ویژه سبک زندگی بپردازد. مفهوم مصرف نزد زیمل، ارتباط تنگاتنگی با سبک زندگی به عنوان مسئله جامعه مدرن دارد. از نظر او، سبک زندگی مدرن، چیزی است که تنها

1 -Thorstein Veblen

در تمایز میان شهر به معنای متجدد آن و اجتماعات کوچک‌تر فهمیدنی است از نظر زیمل سبک زندگی مدرن در کلان-شهر است که شکلی متمایز می‌یابد: آدمی در کلان‌شهر در جهت توسل به تفاوت‌های کیفی برای جلب نظر وسوسه می‌شود که رفتارهای خاص جهت داری اختیار کند، یعنی همان زیاده‌روی در آداب‌دانی و ظرافت در رفتار را که مشخصه فرد نوع کلان‌شهری است. از نظر زیمل، پول و پیامدهای رواج گسترده آن در میان مردم است که سبک زندگی فرد نوع کلان‌شهری را به عنوان سبک زندگی فردی مصرف‌کننده می‌سازد. وجود پول دلیلی برای گرایش به مصرف، آن هم نه به قصد ارضای نیازهای اساسی، بلکه بیشتر به هدف خرید اشیاء پر زرق و برق است. این شکل مصرف، تحولی بنیادین در ذائقه زیبا شناختی انسان کلان‌شهری بوجود می‌آورد از نظر زیمل سبک زندگی انسان مدرن، سبکی بسیار پیچیده است، لیکن این پیچیدگی، نوعی سبک زندگی بی تفاوت و منفعلانه را سبب می‌شود، سبک زندگی که هدفش تمایز اجتماعی است و پیامدی جز دلزدگی ندارد (صمیم، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۵۰). زیمل مصرف و مد را از خلال مفهوم تمایز اجتماعی تبیین می‌کند. وی بیان می‌دارد که مدرنیته و تحولات آن، فردیت و هویتی نوین برای انسان به وجود می‌آورند، اما این فردیت در بند محدودیت‌ها و فشارهای جامعه است. مصرف‌گرایی و روی آوردن به مدهای گوناگون و بدیع، یکی از راه‌های گذار از این محدودیت‌هاست. مد و مصرف پیامدها و کارکردهایی مصرف‌گرایی و روی آوردن به مدهای گوناگون را هم به دنبال دارد: از یک سو در بازآفرینی هویت متمایز شخصی و مورد نظر فرد نقش برجسته‌ای دارد و از سوی دیگر، تمایز طبقاتی را در پی دارد. بدین ترتیب که گروهی از افراد که مصرف و مدهای مشابهی دارند، بین خود پیوند و نقطه اشتراک یافته، دیگران را با مد و الگوی مصرف از خویش متمایز می‌کنند. طبقات بالای جامعه نیز مد را به عنوان نشانه‌ای متفاوت برای متمایز ساختن خود از دیگران به کار می‌گیرند و به مجرد تقلید طبقات پایین از مدهای آنان، مجدداً مدها و شیوه‌های مصرف تازه می‌آفرینند (باینگانی، ایراندوست، احمدی، ۱۳۹۲: ۶۹).

ماکس وبر^۱ سبک زندگی را در ارتباط با گروه‌های منزلت مطرح می‌کند. وی با همسان دانستن مفهوم پایگاه با منزلت سعی دارد آن را در کنار طبقه مطرح کند، به طوری که وی ضمن تفکیک و تمیز منزلت (پایگاه) سیاسی و طبقه اجتماعی یادآور می‌شود که پایگاه اجتماعی هر فرد همراه با طبقه و قدرت، سه بعد اصلی قشربندی اجتماعی را تشکیل می‌دهند، ولی مشخص نمی‌کند که کدام یک از این سه بعد دارای اولویت است. وی یادآور می‌شود اگر فرد، پایگاه بالائی داشته باشد، به دنبال آن ثروت نیز خواهد داشت. بر اساس نظر وبر، قشربندی بر سه عامل اصلی بنا شده است که تا حدودی از یکدیگر مستقل هستند و برای درک کامل قشربندی باید اثر متقابل آنها بر یکدیگر مورد توجه قرار گیرد. وی ابتدا به تعریف نظام اقتصادی مانند مارکس می‌پردازد و آن را براساس امکانات و فرصت‌های زندگی اقتصادی فرد می‌داند و شاخص‌های آن را خانواده، شغل، سرمایه، منطقه و محل سکونت یا هردو عامل تعیین‌کننده دیگر فرصت‌های نامساوی و متفاوت در تملک اموال اقتصادی در دسترسی به مال که تعیین‌کننده وضعیت طبقاتی است می‌شمارد و می‌گوید: اصولاً ماهیت دارائی به وسیله فرهنگ هر جامعه تعریف می‌شود. دومین عاملی که به نظر وبر تعیین‌کننده قشر اجتماعی است نظام سیاسی و توزیع قدرت در جامعه است. معمولاً احزاب سیاسی سازمان‌هایی هستند که نقش مهمی در توزیع قدرت دارند. در اینجا در کنار منزلت اجتماعی، منزلت اقتصادی و سیاسی فرد وضوح بیشتری می‌یابد. عامل سوم ابداعی مربوط به وبر است که آن را «استاتو» می‌نامد. منظور او از این واژه جای اشخاص در سلسله مراتب منزلت اجتماعی است. مشخصه منزلت شکل زندگی، شیوه مصرف، شیوه سکونت، پوشش، ازدواج و خلاصه صورت معینی از تربیت در معنای

1-Simmel

2-Max Weber

وسیع کلمه است. اگر چه شاخص‌های منزلت اجتماعی متنوع است، اما تأکید بیشتر بر نحوه مصرف قرار دارد. گروه‌های منزلتی بر اساس سبک زندگی متفاوت‌شان مشخص می‌شوند که خود بازتاب وجهه‌های متفاوت است. شیوه زندگی اولین مبنا و معیار تشخیص گروه‌های منزلتی است منزلت موروثی، تحصیلات رسمی و منزلت شغلی را نیز باید بدان افزود که هر یک معرف مبنائی است برای نمایش سبک‌های متفاوت زندگی که بین اقشار اجتماعی در یک محیط اجتماعی تمیز داده می‌شود (خدابنده‌لو، ۱۳۷۲: ۴۳-۳۸).

گیدنز انسان را به عنوان عامل در شکل‌گیری هویتش مؤثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم، بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم. در حقیقت ما انتخاب دیگری به جز گزینش نداریم. به نظر وی هرچه وضع و حال جامعه و محیطی که فرد در آن به سر می‌برد، بیشتر به دنیای ما بعد سنتی تعلق داشته باشد، سبک زندگی او نیز بیشتر با هسته واقعی هویت شخصی‌اش و ساخت و همچنین با تجدید ساخت آن سر و کار خواهد داشت. البته منظور گیدنز از کثرت انتخاب این است که در همه انتخاب‌ها بر روی همه افراد باز است. سبک‌های زندگی از نظر گیدنز برنامه‌هایی مهم‌تر از فعالیت‌های فراغتی هستند و در واقع معتقد است که سبک زندگی با مصرف‌گرایی تباه می‌شود. با این حال، بازار که در خطی مشی‌های نولیبرالی به مضمونی ایدئولوژیک تبدیل شده است، ظاهراً عرضه کننده آزادی انتخاب و بنابراین باعث ارتقای فردگرایی است. استدلال گیدنز این است که دخل و تصرف و جرح و تعدیل خویش‌تن خویش از رهگذر انواع روایت‌های رسانه‌ها و نیز راهبردهای بازاریابی، با تأکید بر سبک زندگی و به بهای مایه گذاشتن از معنای شخصی انجام می‌گیرد. از سوی دیگر از نظر گیدنز عنصر محوری و گریزناپذیر سبک زندگی، انتخاب است. در سطح "خود"، یکی از مؤلفه‌های اساسی فعالیت روزمره همان انتخاب‌هایی است که به طور عادی به عمل می‌آوریم. روشن است که هیچ فرهنگی انتخاب را به طور کامل در امور روزمره حذف نمی‌کند و همه سنت‌ها در حقیقت انتخاب‌هایی میان انبوهی از الگوهای رفتاری ممکن هستند.

سبک‌های زندگی را می‌توان مجموعه شیوه‌های رفتاری که با بیش متصل به یکدیگری تلقی کرد که فرد به آنها توسل می‌جوید. توسل به این نیازها نه فقط بدین لحاظ است که چنین شیوه‌هایی تأمین‌کننده نیازهای منفعت‌طلبانه هستند، بلکه از آن رو که سبک زندگی به تجلی خاصی از هویت فردی صورت مادی می‌بخشد حائز اهمیت‌اند. بر این اساس، سبک زندگی به منزله رفتاری تلقی می‌شود که با توسل به مجموعه‌ای از انتخاب‌ها به منزله یک نماد در فرآیند کسب هویت، نقش فعالی را ایفا می‌کند. سبک‌های زندگی را باید تجلی بیرونی فرهنگی یک جامعه دانست که رابطه فرد با دنیای بیرونی آنها را نشان می‌دهد. در جوامعی که روحیه مصرف‌گرایی در آنان رشد یافته، سبک زندگی و هویت به عنوان ابزاری برای درک چگونگی تغییر افراد و جامعه، به کار گرفته می‌شوند. به عبارتی به زعم گیدنز، سبک زندگی روایتگر هویت افراد در دوره مدرنیته متأخر می‌باشد که این امر نیز ناشی از افول ارزش‌ها و سنت‌های هویت‌ساز و همچنین اهمیت خود در زندگی روزمره است (گیدنز، ۱۳۸۲).

بورديو از منابع مفهومی وبر در جهت ارائه نظریه‌ای درباره کارکرد اجتماعی اعمال و کالاهای نمادین استفاده می‌کند. او با به‌کارگیری مفهوم وبری سبک‌های خاص زندگی و انتساب عزت و افتخار که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی هستند، نظریه‌ای درباره رابطه بین سبک‌های زندگی و نشانه‌های تمایزی که با خود به همراه دارند با شرایط مادی موجود توسعه می‌دهد (نایبی، محمدی‌تلور، ۱۳۹۲: ۱۴۳). بورديو درباره شکل‌گیری سبک‌های زندگی نظریه‌ای منسجم ارائه داده است. مطابق مدلی که او ارائه کرده است، شرایط عینی زندگی و موقعیت فرد در ساختار اجتماعی به تولید منش خاص

منجر می‌شود و منش دو دسته نظام است. نظامی برای طبقه‌بندی اعمال و نظامی برای ادراکات و شناخت‌ها (قریحه‌ها). نتیجه نهایی تعامل این دو نظام، سبک زندگی است. سبک زندگی همان اعمال و کارهایی است که به شیوه‌ای خاص طبقه‌بندی شده و حاصل ادراکات خاص هستند. همچنین سبک زندگی تجسم علاقه‌مندی‌های افراد است که به صورت عمل درآمده و قابل مشاهده هستند. الگویی غیرتصادفی که ماهیت طبقاتی دارد. او با نشان دادن این که سبک‌های زندگی محصول منش‌ها و خودمنش‌ها نیز تابعی از انواع تجربه‌ها و از جمله تجربه آموزش رسمی هستند و با بیان این نکته که الگوهای مصرف، اصلی‌ترین نموده‌های سبک‌های زندگی‌اند، ارتباط میان آموزش رسمی در ساختار سرمایه‌داری و باز تولید آن را تحلیل کرد. عمده‌ترین میراث اندیشه بوردیو برای جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی قریح و مصرف فرهنگی است (فاضلی، ۱۳۸۲).

بوردیو سبک زندگی را به مثابه نوعی نظام‌مندی در نظر می‌گیرد. این نوع نظام‌مندی که ریشه در عادت واره دارد در تمام ویژگی‌ها و دارایی‌ها دیده می‌شود که افراد و گروه‌ها در اطراف خود جمع می‌کنند، وسایلی از قبیل مبلمان، لباس، خانه، اتومبیل و فعالیت‌های مانند انواع ورزش‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌ها که افراد از طریق آن تشخیص و تمایز خود را نشان می‌دهند. از دید وی سلیقه، یعنی گرایش و توانایی تصرف (مادی و نمادین) مقوله معینی از اُبّه‌ها یا اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده، ضابطه زاینده سبک زندگی است. سبک زندگی مجموعه متحدی از ترجیحات تمایز بخش است که قصد ابرازگری واحدی را در منطق خاص هر خرده فضای نمادینی مانند مبلمان، پوشاک، زبان و حرکات و سکنتا بدنی به نمایش می‌گذارد (بوردیو، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

در همین رابطه مفهوم تمایز به تفاوت‌هایی اشاره می‌کند که بین رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت‌های متفاوت‌شان از لحاظ سرمایه و میدان‌های اجتماعی گوناگون وجود دارد. در حقیقت تمایز نشان دهنده خصوصیات فرهنگی مصرف‌گروه‌هایی است که به لحاظ فضایی و فراتر از آن در نسبت‌شان با ضرورت‌های مادی زندگی متمایزند. به عبارت دیگر گروه‌های اجتماعی مختلف از چنان منش‌های متفاوتی برخوردارند که تجلی آن در گوناگونی‌های مصرف‌شان نمود پیدا می‌کند از این رو سبک زندگی فضایی است که کنشگران در ذیل آن می‌آموزند چگونه زندگی کنند؟ چه چیز را ارجح و چه چیز را زیبا بشمارند؟ (بنی‌فاطمه و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۷)

از نظر وی ذوق و سلیقه افراد در بین طبقات مختلف را می‌توان به مثابه موردی در نظر آوریم که هم در تقلاها و کوشش‌های گروه‌های اجتماعی برای تشخیص یافتن و فاصله نهادن بین خویشتن با دیگران، درک و حفظ شده و هم جایگاه‌ها و منزلت‌های اجتماعی را پی افکنده است. بنابراین، رهیافت نظری بوردیو بیان‌کننده این ایده نظری است که چرا تحلیل الگوهای سبک زندگی، تمایزات ساختاری و اجتماعی را در مدرنیته متأخر به طور روزافزونی از رهگذر صور فرهنگی بیان می‌کنند و چرا سبک‌های مختلف زندگی در داخل یک گروه یا طبقه اجتماعی، منظومه‌های مختلفی از ذوق و قریحه را برای اشخاص در بر دار. (بهنوئی‌گدنه، ۱۳۹۱: ۹۰).

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر اسنادی و کتابخانه‌ای است. روش‌های اسنادی در زمره روش‌ها یا سنجه‌های غیرمزامح و غیرواکنشی به شمار می‌آید، زیرا با مشکل جمع‌آوری اطلاعات مواجه نیستیم و اطلاعات از قبل موجود است.

رابطه سبک زندگی با کتاب‌های مطالعات اجتماعی

با توجه به اهمیت مفهوم سبک زندگی در هویت بخشی و استقلال بخشی به جوانان از یک سو و نقش بارز جوانان در تولید و بازتولید فرهنگ و الگوهای رفتاری از سوی دیگر، نهاد آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان عنصر کنترل‌کننده و هدایت‌کننده در این زمینه ایفای نقش کند. در سال‌های اخیر شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و فضای مجازی جاذبه‌های زیادی را برای نسل جوان و گرایش به سمت سبک‌های زندگی غربی نامتعارف فراهم نموده است به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای از سیطره این تغییرات شگرف و گسترده در امان نیست. البته تردیدی نیست که مواجه شدن با چنین تغییراتی به علت قدرت تکنولوژی و فناوری‌های نوین و برد وسیع پیام‌رسانی و جاذبه‌های خاص آن امری طبیعی است، ولی اگر جامعه‌ای بدون برنامه‌ریزی به استقبال این تغییرات برود یقیناً با مخاطرات فرهنگی و اجتماعی زیادی مواجه خواهد شد که چندان قابل جبران نخواهد بود و جوانان را هر چه بیشتر از باورها و علائق ملی و بومی خودشان دور خواهد کرد و آنان را به فردی بیگانه با فرهنگ جامعه تبدیل خواهد کرد که بالطبع به علت عدم سنخیت سبک زندگی و علائق و سلايق خاص جوان با باورهای عرفی جامعه، مشکلات هویتی زیاد برای جوان از یک طرف و عدم پذیرش رفتار از سوی خانواده و جامعه و در نهایت طرد اجتماعی را به دنبال خواهد داشت.

مسئله دیگری که مخاطرات و پیامدهای منفی رواج سبک‌های زندگی غربی را به ویژه در جامعه ما بیشتر می‌کند؛ الگوپذیری جوانان و تقلید کورکورانه از یکدیگر است. نسل جوان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی خود، همیشه به دنبال تمایز بخشی، خودنمایی و پیروی از الگوهای رفتاری خاصی است و اگر الگوی مناسبی در اختیار نداشته باشد یقیناً به دلیل امکان ارتباط و تعامل گسترده در فضای مجازی با سایر جوامع، به سبک‌های زندگی غربی و متضاد با بستر فرهنگی و مذهبی جامعه گرایش پیدا می‌کند و با نهادینه شدن چنین الگوهای رفتاری در جامعه شاهد شکل‌گیری بحران‌های هویتی و شخصیتی در نسل جوان و به هدر رفتن نیروی بالقوه و پتانسیل‌های رفتاری آنها برای پیشرفت جامعه خواهیم بود.

به منظور کنترل و جلوگیری از رواج سبک‌های زندگی غیر متعارف در بین جوانان، نهاد آموزش و پرورش می‌تواند به عنوان اهرم کنترل‌کننده و حافظ فرهنگ بومی و مذهبی وارد عمل شود و با برنامه‌ریزی صحیح و علمی، مخاطرات جهانی شدن، فضای مجازی و ویژگی‌های سرکش شخصیتی نسل جوان را به حداقل برساند. البته نهاد آموزش و پرورش باید الگوهای مناسب با فرهنگ بومی و مذهبی را از طریق بازنگری محتوای کتاب‌های درسی جایگزین سبک‌های غیرمتعارف غربی و متضاد با فرهنگ ایرانی نماید به گونه‌ای که هم زمینه‌آشنایی و هم جذب نسل جوان به فرهنگ ملی و مذهبی را فراهم نماید و هم در جهت حفظ و تقویت باورهای سنتی و مذهبی از تکنولوژی‌های جدید استفاده نماید تا زمینه‌ساز غنا و پویایی هر چه بیشتر فرهنگ ایرانی شود. بهترین بستر برای تحقق این مساله محتوای درسی کتاب‌های مطالعات اجتماعی است تا بر اساس فرهنگ بومی و ملی همگام با تحولات دنیای امروز، زمینه هویت‌سازی و شخصیت‌سازی نسل آینده فراهم گردد و با تقویت عناصر مثبت فرهنگ ملی و مذهبی از میزان آسیب‌پذیری فرهنگ بومی از سایر فرهنگ‌ها جلوگیری شود.

جریان جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی باید بتواند زمینه‌آشنایی نسل جوان با فرهنگ بومی را فراهم نماید و با نهادینه کردن رفتار و سبک‌های زندگی ایرانی و اسلامی در عمل و رفتار الگوی مناسبی به جوانان ارائه دهد در غیر این صورت رسانه‌های غربی با ترویج و القای الگوهای رفتاری خاص خودشان به جوان ایرانی، به تضعیف باورهای سنتی و دینی ادامه خواهند داد و جوان ایرانی از هویت ملی و مذهبی‌اش فقط نام ایرانی را یدک خواهد کشید و ترویج‌کننده‌ی فرهنگ غربی و اروپایی در کشور خواهد بود.

نهاد آموزش و پرورش با پذیرش سرعت تغییرات فناوری‌های جدید و قدرت جاذبه سبک‌های زندگی غربی برای نسل جوان باید به دنبال شناساندن فرهنگ ملی و مذهبی به شکل صحیح برای جوانان باشد و با نگرشی باز و به دور از تصورات قالبی و کلیشه‌ای فرهنگ ملی و مذهبی را منطبق با شرایط جدید برای جوانان عرضه کند به گونه‌ای که جوان را به فرهنگ بومی جامعه علاقمند سازد و با بهره‌گیری از الگوهای رفتاری برگرفته از فرهنگ ملی و مذهبی و الهام از سبک زندگی اسطوره‌های بومی و مذهبی به تولید و ترویج سبک زندگی جایگزین و مناسب بپردازد.

با بررسی کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی (پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم) مفاهیم و مولفه‌های مربوط به سبک زندگی به شرح زیر استخراج گردید:

جدول شماره ۱: مولفه‌های سبک زندگی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه سوم

ردیف	مولفه‌ها و مفاهیم	ملاحظات
۱	نهاد خانواده	آشنایی با نهادهای اجتماعی اولیه و ثانویه (فرایند اجتماعی شدن غیررسمی و رسمی)
۲	نهاد مدرسه	
۳	همکاری	آشنایی با الگوها و قواعد عضویت در نهادها (همکاری، تقسیم کار، مسئولیت‌پذیری، فرهنگ قدرشناسی، احترام به بزرگ‌ترها، صرفه‌جویی، بازیافت و استفاده صحیح)
۳	رعایت قوانین	
۴	مسئولیت‌پذیری	
۵	رعایت ادب و قدرشناسی	
۶	الگو و فرهنگ مصرف	

جدول شماره ۲: مولفه‌های سبک زندگی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه چهارم

ردیف	مولفه‌ها و مفاهیم	ملاحظات
۱	مکان و محیط زندگی	آشنایی با مکان‌ها و محیط‌های زندگی در سطح خرد و کلان (محلی و ملی) محله، روستا، شهر، کشور
۲	نشانه‌ها و نمادهای ملی و مذهبی	آشنایی و شناخت نمادهای ملی و مذهبی (پرچم، تقویم، سرود ملی، مناسبت‌های خاص)

جدول شماره ۳: مولفه‌های سبک زندگی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه پنجم

ردیف	مولفه‌ها و مفاهیم	ملاحظات
۱	ارتباط و تعاملات اجتماعی	نحوه برقراری ارتباط با دیگران همدلی و نوع دوستی با دیگران مشورت با دیگران درک احساسات دیگران

جدول شماره ۴: مولفه‌های سبک زندگی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم

ردیف	مولفه‌ها و مفاهیم	ملاحظات
۱	ارتباط با همسالان	آشنایی و شناخت نسبت به دوستی، آداب دوستی
۲	اوقات فراغت	آشنایی با اوقات فراغت و نحوه پر کردن آن

۳	تصمیم‌گیری	آشنایی با فرایند تصمیم‌گیری و اهمیت آن در زندگی
۴	پوشاک و پوشش	آشنایی با پوشاک و فرهنگ پوشش و تفاوت‌های فرهنگی

مفاهیم مطرح شده در کتاب‌های مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی و جداول بالا نشان می‌دهد که در پایه سوم و ششم نسبت به پایه‌های چهارم و پنجم بیشتر به مولفه‌های سبک زندگی توجه شده است. ولی با توجه به اهمیت دوره ابتدایی و ماندگاری آموزش‌های آن لازم است مصداق‌های عینی‌تر و ملموس‌تری مطرح گردد تا با افزایش میزان آگاهی و شناخت، مقوله‌ها و مفاهیم برای دانش‌آموزان نهادینه شود و میزان آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان از سبک زندگی غیرمتمتعرف به حداقل برسد تا در سال‌های آتی، جامعه هزینه‌های کمتری برای مشکلات و معضلات هویتی و تربیتی جوانان متحمل شود.

بحث و نتیجه‌گیری

بدون شک همه جوامع به اهمیت نقش سبک زندگی و تأثیر آن بر سرنوشت نسل جوان واقف هستند و می‌دانند که برخورد منفعلانه در برابر الگوی جهانی شدن و پذیرش بی‌قید و شرط سبک‌های زندگی غربی و اروپایی چه پیامدهای منفی برای فرهنگ و باورهای سنتی جامعه‌شان خواهد داشت. به همین منظور نهاد آموزش و پرورش با آموزش و اجتماعی کردن نسل جوان می‌تواند به تعدیل و کنترل اثرات مخرب الگوهای غربی بپردازد و با نهادینه کردن الگوها و سبک‌های صحیح زندگی ایرانی و اسلامی به کاهش هزینه‌های جبری و قهری در سال‌های آتی بپردازد و با سرمایه‌گذاری در زمینه آموزش کودکان و نوجوانان به تولید و بازتولید سبک صحیح زندگی در جامعه کمک کند و بحران‌های هویتی و شخصیتی جوانان را مدیریت نماید و شاهد پایایی و ماندگاری این الگوهای رفتاری به صورت داوطلبانه و به دور از اجبار باشد. البته تحقق این امر در گام اول به جهت اهمیت نظام آموزش و پرورش در شکل دهی به شخصیت فردی و اجتماعی کودکان و نوجوانان، مستلزم بازنگری و تقویت محتوای کتاب‌های مطالعات اجتماعی از طریق معرفی فرهنگ بومی و ملی، معرفی شخصیت‌های برجسته جامعه، معرفی رفتارها و نمادها و مولفه‌های شاخص در فرهنگ ملی و مذهبی و در گام بعدی ایجاد جذابیت و قدرت رقابت با الگوهای غربی و تفهیم اهمیت و کاربردی بودن آن با فرهنگ بومی و مذهبی برای نسل جوان و همچنین استفاده و بهره‌گیری از دانش روز و تکنولوژی‌های جدید برای شناسایی فرهنگ بومی و مذهبی به جوان و سایر جوامع و در گام آخر درک و احترام به ویژگی‌های شخصیتی کودکان و نوجوانان و عدم تحمیل الگو به آنان می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۲). رویکردی میان رشته‌ای به سبک زندگی با نگاهی به جامعه ایران. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۴، صص ۵۳-۳۳.
- الفت، سعیده؛ سالمی، آزاده (۱۳۹۱). مفهوم سبک زندگی. فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱، صص ۳۶-۹.
- ایمان، محمدتقی؛ مرحمتی، ندا (۱۳۹۳). تبیین جامعه‌شناختی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز. جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۵، شماره ۵۵، شماره سوم، صص ۲۰-۱.

- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، سیدفهمیم؛ احمدی، سینا (۱۳۹۲). سبک زندگی از منظر جامعه‌شناسی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی. مجله مهندسی فرهنگی، سال ۸، شماره ۷۷، صص ۷۴-۵۶.
- بنی فاطمه، حسین؛ روستایی، شهرام؛ عزیززاده‌اقدام، محمدباقر؛ حسین‌نژاد، فهیمه (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و سبک زندگی محیط زیستی در بین شهروندان شهر تبریز. دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، شماره دوم، صص ۵۶-۳۳.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۰). تمایز نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر ثالث.
- بهنوئی‌گدنه، عباس (۱۳۹۱). جوانان، سبک زندگی و هویت اجتماعی: ارزیابی جامعه‌شناختی سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان بابلسر. فصلنامه مطالعات سبک زندگی، سال اول، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۶.
- خدابنده‌لو، سعید (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. مشهد، جهاد دانشگاهی.
- خواجه سروی، غلامرضا؛ طباحی‌ممقانی، جواد (۱۳۹۲). جهانی‌شدن سبک زندگی و تقاضای دگرگونی سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی‌شدن). دوره ۴، شماره ۱۰، صص ۱۶۰-۱۳۱.
- ربانی، رسول؛ رستگار، یاسر (۱۳۸۷). جوان، سبک زندگی و فرهنگ مصرفی. مهندسی فرهنگی، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۵۳-۴۴.
- صمیم، رضا (۱۳۹۳). نگاهی انتقادی به پیشینه داخلی مطالعات جامعه‌شناختی بر روی سبک زندگی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۱۶۶-۱۴۵.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲). مصرف و سبک زندگی. قم، صبح صادق.
- کرشی، مسعود؛ دهپناه، ناهید؛ حیدری، سحر (۱۳۹۵). کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و علوم رفتاری. دانشگاه جامعه علمی کاربردی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). تجدد و تشخص و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- ناییبی، هوشنگ؛ محمدی‌تلور، ستار (۱۳۹۲). تاثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه موردی جوانان شهر سمنجان). مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۱۵۲-۱۳۸.
- نیازی، محسن و همکاران (۱۳۹۷). فراتحلیل مطالعات رابطه بین سبک زندگی و هویت اجتماعی. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره دوم، سال پانزدهم، صص ۲۶۷-۲۳۷.
- معزی، لیلا؛ زارعی، رضا (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتب درسی تفکر و سبک زندگی دوره متوسطه اول در مورد ترویج و تعمیق فرهنگ حجاب بر اساس اهداف سند تحول بنیادین. فصلنامه زن و جامعه، سال هفتم، شماره ۳، صص ۲۰۸-۱۹۳.

- Gatersleben, B. White, E. Abrahamse, W. Jackson, T. Uzzell, D. (2009). *Materialism and Environmental Concern Examining Values and Lifestyle Choices among Participants of the 21th Century Living Project*. Resolve Working paper in <http://www.surrey.ac.uk/resolve/>.
- Leo, B. Hendry & et al. (1998). *Youth Lifestyles and Society: A Class Issue*. Sage Publications.
- Sobel, M. (1981). *Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definitions, and Analyses*. Academic Press.

